

اثر گذاری معنویات در زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان

مدارس مهدویت و جوانان امروزی

(پاسخ به پرسش‌های نسل جوان دانشجو)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۵/۱۲)

سهیلا حقیقی

چکیده

این مقاله به بررسی موضوع مهدویت و جوانان امروز (پاسخ به پرسش‌های نسل جوان دانشجو) پیرامون امام زمان (عج) و بررسی مشکلات اعتقادی جوانان پرداخته است. با این ضرورت که مشکلات اعتقادی جوانان باید ریشه‌یابی گردد و همچنین به پرسش‌های اعتقادی آنان در این زمینه پاسخ می‌دهد و با این هدف که ایجاد انگیزه شود در پرسش نمودن جوانان از سوالات اعتقادی خود، به علت اینکه این کار باعث برطرف شدن بیماری روحی و یا حد اقل آگاه شدن از میزان ناراحتی و درد آنان می‌شویم و اینکه جذب جوانان در زمینه مهدویت باعث ترویج فرهنگ مهدویت و شناخت آنان در این زمینه خواهد شد. این مقاله به اثبات وجود مبارک حضرت ولی عصر (عج) از طریق دلیل عقلی و نقلی و بررسی ویژگی جوانان، علل انحراف فکری آنان پرداخته است که در ابتدا موضوع آزادی عقاید را بیان کرده است و سعی نموده که به سوالات جوانان دانشجو بصورت کلی پاسخگو باشد. مطالعه بصورت میدانی انجام شده و تعدادی از سوالات جوانان را در خصوص موضوع با آمار و ارقام و درصد و نمودار مشخص نموده است. در پایان می‌توان به این مطلب رسید که پرسش نمودن کاری بسیار شایسته می‌باشد اما مجهولات بسیار است و فرصت‌مان اندک است پس باید بدنبال پرسش‌های مهم بود و طبق فرموده امام علی (ع) پرسش در مسیر فهمیدن تو باشد و از خداوند طلب یاری کنی.

واژگان کلیدی: مهدویت، نسل جوان، امام زمان، حضرت مهدی، آزادی عقاید، دین‌گریزی

مقدمه

مهدی حقیقتی است فراتر از اسطوره، و مهدی باوری، برخاسته از بنیان‌های فکری و مبانی عقیدتی عمیقی است که بدون آنان، نمی‌توان به یک باور ژرف دست یافت. این مبانی، ریشه در درک انداره‌های وجودی انسان و عجز و نارسایی حس، عقل و تجربه او در فهم بایدها و نبایدهای راه بلند او تا قرب خدا دارد. اندازه‌های وجودی انسان و استمرار ارتباط او با همه عوالم از یک طرف، نارسایی علم‌گرایی و عقل‌گرایی از طرف دیگر، آدمی را به اضطراب و وحی واضطرار به حجت و انسان کامل می‌رساند. مهدی باوری و مهدی یاوری دو ویژگی مهم انسان حقیقت‌جو و عدالت‌طلب است؛ زیرا مهدی، تجلی حق مطلق و تنها موعود عدالت‌گستر است.

از جناب باقر (ع) روایت کرده (به نقل از شیخ نعمانی) که فرمود: «هر آینه آزموده خواهید شد ای شیعه آل محمد؛ آزموده شدن سرمه در چشم. پس بدرستی که صاحب سرمه می‌داند کی سرمه در چشمش ریخته می‌شود و نمی‌داند که چه وقت از چشم بیرون می‌رود و چنین است که صبح می‌کند مرد بر جاده ای از امر ما و شام می‌کند و حال آنکه بیرون رفته از آن و شام می‌کند بر جاده ای از امر ما و صبح می‌کند و حال آنکه بیرون رفته از آن.»^۱

هدف و ضرورت نوشتن مقاله: عن معاویه بن وهب: قال سمعت ابا عبدالله یقول قال رسول الله (ص): من مات لا یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة^۲. کسی که بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. البته شناخت امام زمان (عج) امکان‌پذیر نیست ما فقط می‌خواهیم با راههای شناخت (قرآن، مفاتیح، نهج البلاغه و...) آشنا شویم. همانگونه که قرآن به فرموده حضرت علی (ع) دریایی است که به عمق آن دسترسی نیست درباره اهل بیت نیز می‌خواهیم که ما به کنه شما نمی‌رسیم. و از ضرورت‌های این مقاله احترام گذاشتن به شخصیت، احساسات و ادراکات جوانان می‌باشد و اینکه در مساله اصول الدین باید به سوال یک فرد هم اهمیت داده شود. چرا که ممکن است آن یک فرد به علت جاذبه و رسایی کلامش

۱. حسین، طبرسی نوری، نجم الثاقب، ص ۷۴۵.

۲. محمد بن ابراهیم، نعمانی، غیبت، ص ۱۳۰.

بر افراد دیگر تاثیر بگذارد و با افکار خود جمعی را گمراه نماید. می خواستم با عناوینی چون اثبات وجود خارجی امام عصر (عج) و... ایجاد انگیزه شود برای آشنایی هرچه بیشتر جوانان با احادیث و روایات پیرامون امام زمان (عج) و در نتیجه اینکه زمینه برای شناخت فراهم شود.

بخش اول: معنا و مفهوم مفاهیم اولیه

ریشه لغوی کلمه مهدی: هدی یهدی و هدیا و هدیه، و هدایه: او را راهنمایی کرد، راه را به او نشان داد. و کلمه المهدی اسم مفعول می باشد که مصدر آن الهدایه بود. و اسم فاعلش الهدو بوده است. 'مهدویت (م د ی ی) (مصدر جعلی) مهدی (امام منتظر) بودن طبق معتقدات شیعه امامی و نیز طبق روایات بسیاری که در کتاب‌های اهل سنت و جماعت آمده است در آخر زمان مهدی (عج) از آل محمد (ص) ظهور خواهد کرد.^۲

بند اول: تعریف مهدویت

مهدویت از دیدگاه شهید صدر: مهدویت فرایند یک عقیده اسلامی که فقط رنگ دین داشته باشد، نیست مهدویت فصل مهمی از خواسته‌های بشری است که انسان‌ها با داشتن ادیان و مذاهب، رو سوی آن دارند و مهدویت در دیدگاه اسلام یک آرزو و خیال نیست که احساسات را به بازی بگیرد و آرامش بخشی برای دردها و رنج‌های روحی باشد بلکه مهدی یک انسان معین و زنده ای است که با مردم زندگی می کند و در درد و رنج ایشان شریک است.^۳ پس نسل جوان به خاطر ویژگی (شک و تردید نسبت به عقاید دینی) که دارند یک نسل آسیب پذیر می باشند و باید نسل جوان امروز هم تعریف گردد و مشکلات اعتقادی آنان، با پاسخگویی به سوالات آنان بر طرف نمود. تعریف نسل جوان امروز از دیدگاه استاد شهید مطهری: منظور از نسل جوان طبقه جوان نیست بلکه مقصود طبقه ای است که در اثر تحصیلات و آشنایی با تمدن جدید دارای طرز تفکر جدیدی است و می خواهد پیر باشد یا جوان، خیلی از جوانان ما هستند که الان طرز تفکر قرون گذشته دارند و خیلی از پیرهای ما

۱..محمد، بندر ریگی، المنجد عربی به فارسی، ج ۲، ص ۲۰۷۱.

۲. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۱۷۶.

۳. علی، دژاکام، آینه موعود (معرفی و بررسی پانصد کتاب پیرامون امام زمان (عج)، ص ۷۳.

هستند که طرز تفکر جوانان را دارند.^۱

بند دوم: تاریخچه مهدویت

پیشینه‌ای بس دراز دارد این کرشمه و ناز، اعتقاد به وجود مبارک یک نجات‌بخش که ظهور خواهد کرد و وجه اشتراک همه ادیان جهان است. پیرامون مهدویت قبل از پیامبر خاتم (ص) از آن عزیز سخن به میان رفته است. اینک یک هزار و یکصد و هفتاد سال تمام است که این جذبۀ و ناز و این رازونیز ادامه دارد.^۲ در کتاب مزامیر ۳۷ داود، می‌خوانیم که «...شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد و هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود اما حکیمان وارث زمین خواهند شد و...»^۳ به جهت اینکه جوانان به راحتی بتوانند از مشکلات اعتقادی خود پرسش نمایند، بهتر است بحث آزادی عقاید مطرح گردد.

بند سوم: آزادی عقاید و ممنوع بودن تفتیش عقاید

در اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» آنچه که از این اصل بر می‌آید این است که داشتن عقیده (هر نوع عقیده‌ای) آزاد است اما اینکه آیا تبلیغ و تعلیم آن هم آزاد است، چنین چیزی استنباط نمی‌شود. می‌دانید که هر عقیده‌ای ناشی از تفکر صحیح و درست نیست. منشأ بسیاری از عقاید، یک سلسله عاداتها و تقلیدها و تعصبهاست. عقیده به این معنی نه تنها راه‌گشا نیست. که به عکس نوعی انعقاد اندیشه به حساب می‌آید. آیا در مورد انسانی که یک سنگ را می‌پرستد باید بگوییم چون فکر کرده و بطور منطقی به اینجا رسیده و نیز به دلیل اینکه عقیده محترم است، پس باید به عقیده او احترام بگذاریم و ممانعتی برای او در پرستش بت ایجاد نکنیم؟ یا نه کاری کنیم که عقل و فکر او را از اسارت این عقیده آزاد سازیم!^۴

۱. مرتضی، مطهری، ده گفتار، ص ۲۱۲.

۲. آیتی، نصرت‌الله و دیگران، فصلنامه علمی و تخصصی انتظار، ش ۱۴، ص ۱۹.

۳. تورات (عهد عتیق) مزبور ۳۷ داود، ص ۸۵۶.

۴. محمد جواد، صفار، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۵۹-۱۵۸.

بخش دوم: دعوت به ترک تقلید و پیروی از منطق و استدلال در آیه لا اکراه فی الدین

و در کتاب فراهایی از اسلام چنین می گویند: «اینکه بعضی گمان کرده اند که اسلام طرفدار آزادی عقیده به طور مطلق است و اجازه می دهد هر کس هر دینی را خواست (حتی بت پرستی و شرک) انتخاب کند به هیچ وجه صحیح نیست. چگونه ممکن است اسلام که شالوده اش بر توحید و نفی شرک است مردم را در مخالفت با اصل توحید آزاد بگذرد؟ این یک تناقض صریح است، و عیناً مانند این است که در دنیای آن روز آزادی در مخالفت با قوانین و مقرراتی که وضع شده به مردم داده شود. این معنی با وضع و قرارداد آن قوانین اصلاً سازش ندارد.» ایشان در دنباله این مطلب می فرمایند: «جمله لا اکراه فی الدین» یک حقیقت تشریحی است که متکی به حقیقت تکوینی است و از قبیل احکام ارشادی است. یعنی کسی را مجبور به پذیرفتن دین حق نکند چه اینکه ممکن نیست از راه اجبار به مقصود برسید. از همه گذشته، این آیه شریفه مردم را دعوت به ترک تقلید در عقاید و پیروی از منطق و استدلال می کند چه اینکه عقیده ای که از روی اکراه صورت می گیرد حتماً جنبه تقلیدی دارد. در هر حال این موضوع یعنی نهی از اکراه در دین غیر از مسئله آزادی افراد در انتخاب هر گونه عقیده است. دقت کنید.^۱

بخش سوم: مبارزه با خویشتن

مقاومت و لجاجت در مقابل دلیلی که حقیقت را آشکارا اثبات کرده است، مبارزه ی با خویشتن است که به خودکشی منتهی می گردد. در هر موردی که دلیلی برای اثبات و آشکار کردن حقیقت قائم شود و شنونده و بیننده هیچ عذری برای پذیرفتن و اعراض از آن دلیل نداشته باشد، اگر در مقابل آن مقاومت کند، مبارزه ای نابخردانه با خویشتن به راه انداخته است که به نوعی خودکشی منجر می گردد. توضیح اینکه وقتی که دلیلی بر یک حقیقت قائم می گردد، نفس آدمی که به وسیله انحرافات و پلیدها تباه نشده است، مانند موجودی که حیات جدید و عالی تری یافته است شکوفا می گردد و سر به قله هستی می کشد. در این حالت اگر

۱. محمد جواد، صفار، همان، ص ۱۶۱. سس

خودخواهی‌ها تعدیل نشده و خودکامگی طغیانگر، آتشفشانی شروع کند، اولین قربانی این آتشفشانی همان نفس یا جان یا شخصیت شکوفا شده است که با نابودی همان شکوفایی، آن حیات جدید و عالی‌تر نیز جان و روان آدمی را وداع می‌کند.^۱ هر چند ما در مطرح نمودن عقاید منفی پیرامون مساله مهدویت آزاد هستیم اما با توجه به ادله و دلایل مستحکم که پیرامون این موضوع وجود دارد جای انکاری باقی نمی‌گذارد و طبقه خطبه ۱۷۰ نهج البلاغه لجاجت ورزیدن در مقابل حقیقت آشکار منجر به خودکشی خواهد شد.

بخش چهارم: اثبات وجود خارجی امام عصر (عج) و شناخت ایشان

«الم احسب الناس ان يتركوا ان يقولو آمنا و هم لا يفتنون و لقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا و ليعلمن الكاذبين»^۲ آیا مردم گمان می‌کنند که با گفتن جمله: «ایمان آوردیم» بدون آنکه آزمایش شوند رها می‌شوند؟ در صورتیکه مسلم است که ما «کسانی را که پیش از آنان بودند آزمایش نمودیم تا خداوند از راستگویان آگاه شود و دروغگویان را بشناسد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «و قد علم ان اولياءه لا يرتابون و لو علم انهم يرتابون ما افقدهم حجتة طرفه عين». خداوند می‌داند که اولیانش در شک نمی‌افتند (در غیبت امام (ع)) و اگر می‌دانست که آنها در شک می‌افتند یک چشم بر هم زدن جحت خود را از آنان پنهان نمی‌ساخت.^۳

بخش پنجم: فرضیه نبودن حضرت مهدی (عج)

از کجا معلوم که امام مهدی (ع) در عصر غیبت کبری واقعاً وجود خارجی دارد و صرفاً یک فرضیه نیست؟ در موضوع مهدی (ع) با این تعبیر که وی رهبری منتظر است، تا در سطحی برتر جهان را دگرگون کند، سخنان بسیار از پیامبر اسلام (ص) و امامان علیهم السلام به دست ما رسیده است، به طوری که در اصالت و صحت آن نمی‌توان هیچ تردیدی روا داشت. تنها از طریق برادران اهل سنت، بیش از چهارصد حدیث، در این خصوص از پیامبر اکرم (ص)

۱. محمد تقی، جعفری، (ترجمه و تفسیر نهج البلاغه) تفسیر عمومی خطبه صد و هفتادم نهج البلاغه، ج ۲۷، ص ۵۷.

۲. سوره عنکبوت، آیات ۳-۱.

۳. مهدی، رشیدی کلروئی، سالنامه حدیثی محض یار، ۲۵ مهرماه سال ۱۳۸۱ بر گرفته از مکمال، ج ۲، ص ۱۴۶.

گزارش شده است، و اگر اخبار رسیده از طریق شیعه و سنی را شمارش کنیم به ۶۰۰۰ روایت درباره امام مهدی (عج) بر می خوریم، که مسلماً شماره بزرگی است. حتی در موارد بسیاری از مسائل بدیهی اسلامی که مسلمانان در آنها تردید ندارند و مورد پذیرش هستند، به این مقدار روایت وارد نشده است. برای تجسم این اندیشه در امام دوازدهم (ع) و پذیرش آن نیز دلایل کافی و روشن وجود دارد، که همه را می توان در دو دلیل فشرده: یکی اسلامی و دیگری علمی با دلیل اسلامی، وجود رهبر منتظر ثابت می شود و با دلیل علمی روشن می گردد که «مهدی» تصور و افسانه نیست، بلکه حقیقتی است که وجود آن، با تجربه تاریخی ثابت شده است.^۱

بند اول: دلیل اسلامی (نقلی)

در صدها روایتی که از پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و امامان شیعه علیهم السلام به ما رسیده، و ویژگی های مهدی (ع) را برشمرده، در می یابیم که او از اهل بیت و فرزندان حضرت فاطمه (ع)، نهمین فرزند امام حسین (ع) و دوازدهمین امام از ائمه دوازده گانه است. با این که امامان شیعه، سعی داشتند که مسئله «مهدی» را در برابر عموم طرح نکنند، تا بدین وسیله از کشته شدن ناگهانی آن رهبر منتقم جلوگیری کنند؛ نه تنها تعداد روایات نقل شده به تعداد بالا رسیده است، بلکه یک سلسله برجستگیها و نشانه هایی را می توان در آنها یافت که صحت صدور آنها روشن می کند. از جمله پیامبر (ص) درباره جانشینان و پیشوایان پیش از خود فرمود: که ایشان دوازده نفر از قریش اند. متن این حدیث از طرق گوناگون و با الفاظ متفاوت روایت شده است. و برخی از روایت شماران که روایات این گونه را شمرده اند به بیش از ۲۷۰ روایت رسیده اند که همه آنها از معروفترین کتابهای حدیثی شیعه و سنی گرفته شده، و از قلم کسانی همچون بخاری و مسلم و ترمزی و ابو داود و احمد، و حاکم در مستدرک، بر صحیحین بازگو گردیده است. بخاری، که یکی از روایان این حدیث است، خود با امام جواد و امام هادی و امام عسکری (علیهم السلام) هم عصر بوده، و همین خصوصیت او، روشنگر معانی

۱ محمد باقر، صدر، امام مهدی حماسه ای از نور، ص ۶۵ و علیرضا، رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان

(عج) ص ۱۱۳ و ۱۱۴ و علی، دژاکام، آئینه موعود، ص ۸۱

بزرگی است، زیرا ثابت می کند که حتماً چنین حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده است، اما هنوز محتوای آن تحقق نیافته و «دوازده امام» در صحنه ی دین پدیدار نشده اند؛ پس مسلماً نقل حدیث، بازتاب یک واقعیت خارجی (شیعه دوازده امامی) نبوده است. وقتی یک دلیل مادی و عینی بر این امر یافتیم که حدیث یاد شده، پیش از تحقق توالی تاریخی دوازده امام، و پیش از آنکه پدیده خارجی مذهب شیعه دوازده امامی بصورت کامل آن عرضه شود، در کتاب های حدیث ضبط شده، می توانیم مسلم بگیریم که این حدیث، روشنگر یک حقیقت خدایی است که بر زبان پیامبر اکرم (ص) جاری شده است.

بند دوم: دلیل علمی مهدویت

پایه دلیل علمی، بررسی و تجربه زمانی ۷۰ ساله «غیبت صغری» است. غیبت صغری نشان دهنده مرحله نخست امامت مهدی (ع) است. سرنوشت حتمی امام، این بود که از دیده های مردم پنهان بماند، اگر چه دل و فکرش در میان مردم است. ولی در این زمان نیز امام با نایبان خاص با مردم ارتباط برقرار می نمود، و سوالات شفاهی و کتبی مردم را همراه پاسخ امام (ع) بر می گرداندند. بی شک، هرکس چنین فرازهایی را بداند و با ارزیابی آنها بنشیند، در می یابد که امام مهدی (عج) حقیقتی است که گروهی از مردم، همراه با آنان زیسته اند و نمایندگان و سفیران ویژه او، نزدیک به هفتاد سال در لابلای روابط خود با شیعیان، بازگو کننده این حقیقت بوده اند که بازیگری و نیرنگی در کارشان نیست و تناقضی در سخن و عملشان دیده نشده است. به راستی چگونه می توان پذیرفت که یک دروغ، هفتاد سال پایدار بماند، و چهارتن بر آن چنان هم داستان شوند که گویی حقیقتی بزرگ است که با چشم خویش می بیند و با آن زندگی می کنند، و در این مدت هم نقطه ضعفی از آنها آشکار نگردد که برانگیزنده تردید باشد؟ پس غیبت صغری، یک تجربه علمی شمرده می شود تا چیزی را که واقعیت عینی و خارجی دارد، اثبات کند و پذیرش واقعیت رهبری امام مهدی (عج) را با، ویژگی های ولادت و زندگی و غیبت کبرای او، ممکن سازد.^۱

۱. علیرضا، رجالی تهرانی، همان ص ۱۱۶، برگرفته از کتاب «بحث حول المهدی» تالیف آیه الله شهید محمد باقر صدر.

کریمی کاین جهان پاینده دارد تواند حجتی را زنده دارد

بخش ششم: بررسی یک نمونه از آیات راجع به مهدی (عج) و ظهور طلعت رشیده و دولت کریمه

«و لقد كتبنا فی الزبور، من بعد الذکر، ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۱ ما در زبور داود، از پس ذکر تورات، نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان شایسته ما میراث برند و صاحب شوند. امام محمد باقر (ع) فرمود: «این بندگان شایسته که وارثان زمین شوند، اصحاب مهدی هستند، در آخر الزمان.» شیخ طبرسی، پس از نقل این حدیث، می گوید: حدیثی که شیعه و سنی، از پیامبر (ص) روایت کرده اند، برگرفته امام محمد باقر دلالت دارد. حدیث این است: «اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند همان یک روز را آن قدر دراز کند، تا مردی صالح، از اهل بیت من، برانگیزد، و او جهان را همان گونه که از جور و ستم لبریز شده باشد، از داد و دادگری لبریز سازد.»^۲ در تفسیر «علی بن ابراهیم»، درباره این آیه، آمده است: ما در زبور، از پس ذکر نوشتیم... همه کتاب‌های آسمانی ذکر نامیده می شود. «ان الارض یرثها عبادی الصالحون»، یعنی خاتم و اصحاب او. (این مطلب در زبور آمده است زیرا که) در زبور وقایع و کشتارهای عظیم آمده است. و هم حمد خداوند و تمجید ذات او، و هم دعا و نیایش.^۳ و همچنین در تفسیر این آیه از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «این بندگان صالح، همان یاران مهدی در آخر الزمانند.»^۴ طبق تفسیر دیگری، «ذکر» اشاره به قرآن مجید است زیرا که در خود آیات قرآن این عنوان به قرآن گفته شده است: «ان هو الا ذکر للعالمین»^۵ بنابراین، کلمه «من بعد» به معنای «علاوه بر» بوده و معنای آیه چنین خواهد بود: ما، علاوه بر قرآن در زبور نوشته ایم که سرانجام، زمین بندگان صالح من به ارث خواهند برد.^۶

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. محمد رضا، حکیمی، خورشید مغرب، ص ۱۱۵.

۳. محمد رضا، حکیمی، همان، ص ۱۱۵ برگرفته از تفسیر «نورالتقلین»، ج ۳، ص ۴۶۴.

۴. مهدی، پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۷۱۳.

۵. سوره تکویر، آیه ۲۷.

۶. ناصر، مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

بخش هفتم: تکالیف بندگان نسبت به حضرت مهدی (عج)

در تفسیر آیه شریفه «ان اصبح مائکم غورا»^۱ در ذکر شمه ای از تکالیف بندگان نسبت به آن جناب در باب دوم نجم الثاقب ذکر شده که مراد از آب جاری و گوارا، در آیه شریفه «ان اصبح مائکم غوراً فمن یاتیکم بماء معین.» آن جناب است و چنان سبب ظاهری حیات هر چیزی، انسان و حیوان و نبات و جماد و اجسام علویه و سفلیه، به نص آیه ی مبارکه و استمساک بعضی از اجزاء بعضی را و بقای ترکیب و مزج آنها، آب است سبب باطنی حیات هر چیزی به نحو اعلی و اتم و اکمل و اشرف، وجود امام (ع) است. و آفتاب، بی آب نتواند تربیت کند چیزی را، پس محتاج باشد به آن و آن وجود معظم در تربیت و تکمیل و افاضه خیر، محتاج به غیری نباشد. با عقول و نفوس و ارواح آن کند که این دو با جسمانیات کنند. و با جمله نجات و مفرغ و ملاذ و کهنفی برای بندگان نیست جز آن شخص معظم (ع) آباء گرامی اش؛ چنان که خود در زیارت وجود مقدس که امر فرموده بخوانیم، فرمود: «فلانجاه ولامفرغ الا انتم.» و بر هر کس لازم است که خود را به وسیله ای به آنجا رساند و آن وسیله، همان گریه و زاری و ناله و بی قراری و خواندن او را در زیارت و تضرع و مسألت است، بلکه عمده بیرون آمدن از حالت و صفات و کرداری که مکروه طبع شریف آن جناب است و دانستن و اطاعت کردن محبوبات و مرضی او، که نیست مگر آنچه مکروه و مرضی خداوند رسول اکرم اوست. و بیشتر آنها در کتاب و سنت مشروح و مبین، بلکه جمله در مقام وضوح به حد ضرورت رسیده و پس از آن برداشتن همی از آن جناب، چه عمده غرض از بعثت آن جناب، چون سایر حجج، (ع) تکمیل دین و آموختن شرایع و برگرداندن سرکشان و متمردان است به نزد مولای حقیقی خود و نمایاندن راه است به گمشدگان در وادی ضلالت که بیشتر اوهام ایشان در آن و تحمل همه مصایب و ناملایمات برای آن بوده. در تفسیر عسکری (ع) روایت شده که حق تعالی وحی کرد به حضرت موسی که: «اگر یک کس از آنان که از درگاه من گریخته یا از ساحت عزت من گم شده باشند به سوی من برگردانی، بهتر است از برای تو از صد ساله عبادت که روزها روزه

باشی و شبها برای عبادت بر پا ایستاده باشی. موسی (ع) گفت: «آن بنده گریخته کدام است؟» فرمود: گناهکاران و آنان که فرمان من نمی برند.» پرسید: «گمشده کیست؟» فرمود: «جاهل به امام زمانش.» پس شناساند به او امامش را غایب از امامش بعد از شناختن که جاهل باشد به شریعت دین او، پس شناساند به او شریعت را و آنچه به آن عبادت کند پروردگار خود را و برسد به سبب آن به خشنودی او، پس هر که گناهکاری را از معصیتی نادم دهد و توبه دهد. کلفتی از آن حضرت را برداشته و همی از جنابش برطرف نموده است.^۱

بخش هشتم: حدیث مهم غیبت

حدیث کردما را محمد بن یعقوب از محمد بن یحیی و از محمد بن حسن و او از حسن بن محبوب و او از اسحاق بن عمار که گفت: ابو عبدالله (امام صادق) علیه السلام فرمود: قائم را دو غیبت است یکی از آن دو کوتاه است و دیگری درازمدت در غیبت نخستین بجز خواص شیعه کسی جایگاهش را نمی داند و در غیبت دیگر بجز خواص از نوکرانش (که در دین او باشند) کسی را از جایگاه او اطلاعی نباشد. [شرح: مولف از محمد بن یعقوب صاحب کافی نقل کرده است ولی همین روایت کلمه (که در دین او باشند) را ندارد و دو غیبتی که در این روایات گفته شده است اولی عبارت است از غیبتی که از هنگام وفات پدر بزرگوارش پیش آمد و تا زمان وفات ابی حسن علی بن محمد سمري چهارمین سفیر آن حضرت بطول انجامید و وفات امام حسن عسکری در نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ و وفات سمری ۱۵ شعبان سال ۳۲۹ بود و بنابراین نخستین غیبت که آن را غیبت صغری نامند تقریباً هفتاد سال بطول انجامیده است و سپس غیبت دوم که غیبت کبری اش گویند پیش آمد. و چهار نایب آن حضرت در زمان غیبت صغری که سفرای آن حضرت بودند بترتیب عبارتند از: اول ابو عمر عثمان بن سعید عمری، دوم فرزندش ابو جعفر محمد ابن عثمان، و سوم ابو القاسم حسین بن روح و چهارم ابو الحسن محمد بن علی سمري].^۲

۱. حسین، طبرسی نوری، نجم الثاقب، ص ۸۰۰.

۲. محمد بن ابراهیم، نعمانی، غیبت، ص ۱۹۷.

بخش نهم: روایت مهم منتخب الدین در مورد جانشینان رسول الله (ص)

عالم حافظ، منتخب الدین محمد بن مسلم بن ابی النوارس رازی در کتاب «اربعین» خود روایت کرده به اسناد خود از احمد بن ابی رافع بصری، گفت: خادم علی بن موسی الرضا فرمود: خیر داد پدرم و... فرمود: رسول خدا به من فرمود: «کسی که دوست دارد ملاقات کند خداوند عزوجل را و او به نظر رحمت، اقبال کند به او و اعراض نفرماید از او، پس موالات کند با حضرت علی (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خداوند عزوجل را و او (خداوند) از او خشنود باشد، موالات کند با پسر تو، حسن (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خداوند عزوجل را و خوفی براو نباشد، پس هر آینه موالات کند با پسر تو، حسین (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خداوند عزوجل را و حال آنکه گناهانش از او کنار رفته و از آنها پاک شده باشد، پس هر آینه موالات کند با علی بن الحسین (ع) و او چنان است که خدای فرمود: «سیمام فی وجوههم من اثرالسجود.» - کسی که دوست دارد ملاقات کند خدای عزوجل و حال آنکه چشمش خنک باشد یعنی خرسند باشد پس هر آینه موالات کند با محمد بن علی (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خدای را درحالی که کتاب اعمال را به دست راستش دهند، پس موالات کند با جعفر بن محمد (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خدای عزوجل را پاک و پاکیزه شده، پس موالات کند با موسی بن جعفر (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خداوند عزوجل را درحالی که خندان است پس موالات کند با علی بن موسی الرضا (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خدای عزوجل در حالی که درجات او را بلند کرده اند و سیئات او را مبدل نموده اند به حسنات، پس هر آینه موالات کند با پسر او محمد بن علی (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خداوند عزوجل را، پس با او به آسانی محاسبه نماید و مذاقه نکند و داخل کند او را در بهشتی که فراخی او به فراخی آسمانها وزمین است که مهیا شده برای پرهیزکاران، پس موالات کند با پسر او علی بن محمد (ع). - کسی که دوست دارد ملاقات کند خداوند عزوجل را و حال آنکه در زمره فائزین باشد پس موالات کند با پسر او حسن عسکری (ع). و کسی که دوست دارد ملاقات کند خداوند عزوجل را درحالی که ایمان او کامل و اسلامش نیکو شده، پس موالات کند با پسر او، منتظر م ح م د،

صاحب الزمان، مهدی صلوات الله علیه.^۱

بخش دهم: کافی نبودن قرآن و علما و نیاز به امام و حجت داشتن

ممکن است کسی گمان کند و بگوید قرآن و علما در میان مردم موجودند و آنان را هدایت می کنند لذا احتیاجی به امام ندارند. این مدعا بیش از یک گمان چیزی نیست، چرا؟ زیرا کسی می تواند حقایق قرآن را درک نماید. که قرآن بر خاندان وی نازل شده باشد و او یقیناً در این زمان امام عص (عج) می باشد. است. تنها وجود علما برای راهنمایی بشر کافی نیست زیرا قبل از بعثت حضرت محمد (ص) در زمان انبیاء سالفه علمایی نیز وجود داشتند. و معذالک خدای حکیم با وجود علماء برای بشر پیامبر می فرستاد. پس بنابراین وجود علما و قرآن بدون یک رهبر الهی یعنی حضرت مهدی موعود (عج) امور جهانی کما هو حقّه منظم و برقرار نخواهد شد. و عقل باور نمی کند که خدای جهان، بشر را یله و رها بگذارد و قلدران و گمراه کنندگان جهان، عده ای را نابود و گروهی را گمراه نمایند. ۲ اینک به یک موضوع عقلی از زبان یکی از شاگردان حضرت صادق (ع) از نظر مبارک خوانندگان گرامی بگذرانیم.

بخش یازدهم: موضوع عقلی امامت از نظر یکی از شاگردان امام صادق (ع)

محمد بن یعقوب کلینی در کتاب اصول کافی، جلد اول ص ۱۶۹ روایت می کند که صادق به هشام بن حکیم (بفتح حاء و کاف) فرمود: برای من بگو که (راجع به موضوع امامت) چگونه با عمرو بن عبید گفتگو و مباحثه کردی؟ هشام گفت: یابن رسول الله! من در حضور شما خجالت می کشم سخن بگویم زبانم در خدمت شما ناطق و گویا نمی شود امام صادق (ع) فرمود: موقعی که من به شما دستوری می دهم انجام دهید. هشام گفت من وارد بصره شدم و... نزد عمرو بن عبید به دو زانوی خود نشستم. آنگاه به وی گفتم: ای استاد! من شخص غریبی هستم، اجازه هست که مسئله از شما سوال کنم؟ گفت: آری.

گفتم: آیا تو چشم داری؟ گفت: ای پسرک من! این چه سوالی است که تو می کنی چیزی را که می بینی جا ندارد از آن پرسش نمایی؟! گفت: گرچه سوال تو احمقانه است و در عین حال

۱. حسین، طبرسی نوری، نجم الثاقب، ص ۲۸۲.

۲. محمد جواد، نجفی، ستارگان درخشان، ص ۲۰۲۳.

هر چه می‌خواهی پرسش کن ... گفتم: آیا تو چشم داری. گفت: آری. گفتم: از چشم چه نتیجه‌ای می‌گیری؟ گفت: بوسیله چشم است که رنگها و اشخاص را می‌بینم. گفتم: آیا تو بینی داری؟ گفت: آری. گفتم: از بینی چه استفاده‌ای می‌کنی؟ گفت: بوسیله بینی بوها را استشمام می‌نمایم. گفتم: آیا تو دهان داری؟ گفت: آری. گفتم: دهان را برای چه می‌خواهی؟ گفت: طعم اشیاء را بوسیله دهان می‌چشم.

گفتم: آیا تو گوش داری؟ گفت: آری. گفتم: ثمره گوش از برای تو چیست؟ گفت: بواسطه گوش است که اصوات و صدا را می‌شنوم. گفتم: آیا تو قلب داری؟ گفت: آری. گفتم: از قلب چه استفاده‌ای می‌کنی؟ گفت: هر اشتباهی که دچار جوارح و حواس (ظاهری) می‌شود آنرا بوسیله قلب برطرف می‌کنم.

گفتم: آیا ممکن نمی‌شود که این اعضا و جوارح انسان از قلب مستغنی و بی‌نیاز باشند؟ گفت: ابتدا. گفتم: چرا اعضا و جوارح از قلب مستغنی نیستند در صورتی که صحیح و سالمند؟ گفت: ای پسرک من! موقعی که اعضا و جوارح انسان مثلاً بینی بویی را استشمام کند یا (چشم) شیئی را ببیند یا (دهان) غذایی را بچشد یا (گوش) صدایی را بشنود و دچار شک شوند بقلب رجوع می‌کنند تا قلب یقین را حاصل و شک را برطرف کند. گفتم: پس بنابراین خدا قلب را مخصوص این آفریده که شک را از اعضا و جوارح انسان برطرف کند؟ گفتم: وجود قلب از برای انسان حتماً لازم است و إلا اعضا و جوارح (نسبت به هیچ موضوعی) یقین پیدا نمی‌کنند؟ گفتم: ای ابومروان! (کنیه عمرو بن عبید) خدا برای اعضا و جوارح تو امام (که قلب باشد) قرار داده تا بوسیله آن یقین حاصل و شک برطرف شود پس چگونه می‌شود خدا این همه مخلوق خود را در حال شک و اختلاف و حیرت بگذارد و امامی از برای ایشان معلوم نکند تا در موقع اختلاف و شک و سرگردانی به او رجوع نمایند و....

عمرو بن عبید لحظه‌ای سکوت کرده و به من چیزی نگفت. آنگاه به من توجهی کرد و گفت: تو هشام بن حکم نیستی؟! گفتم نه. گفت: از همنشینان هشام نیستی؟ گفتم: نه، گفت پس تو اهل کجایی؟ گفتم کوفه، گفت یقیناً تو هشامی. حضرت صادق (ع) خندید و فرمود: این استدلال را از کجا یاد گرفتی؟ گفت: از خود شما. امام صادق (ع) فرمود: بخدا قسم که این

مباحثه تو در صحف ابراهیم و موسی (ع) مرقوم است.^۱ همیشه باید در بین نوع انسان، فرد کاملی وجود داشته باشد که به تمام عقاید حقه الهی عقیده مند بوده و تمام اخلاق و صفات نیک انسانی را به کار بسته و به تمام احکام دین عمل نماید. اگر او وجود نداشته باشد خدا به کمال شناخته و عبادت نمی شود.

بخش دوازدهم: ارزشمند بودن مردم زمان غیبت از مردم زمان گذشته

در تربیت اسلامی، شناخت، اهمیت بسیار دارد، و شناخت در منطق اسلام، محدود به «شناخت نظری» نیست، بلکه هم «شناخت نظری» و هم «شناخت عملی» هر دو را در بر می گیرد. هر عقیده ای که انسان در هر باره ای دارد باید از روی بصیرت و شناخت باشد، و هر فعلی و ترکی که از انسان سر می زند، باید بر پایه شناخت و تشخیص باشد. این مسئله، در عصر غیبت، که امام معصوم غایب است، بیشتر از وقت‌های دیگر اهمیت پیدا می کند. در این روزگار، شناخت عقاید و افکار، و موضعگیری‌ها و اعمال اهمیتی ویژه می یابد. و همین داشتن «شناخت صحیح» است که از کوشش در عبادات و مستحبات افضل است. دختر رشید هجری شیعه معروف می گوید: به پدرم گفتم: ای پدر، چه بسیار در عبادت خدا رنج می بری و کوشش می کنی؟ در پاسخ گفت: دخترم! بعد از ما مردمی می آیند که بصیرت و شناختی که در دین دارند، از این کوششها و رنجها افضل است.^۲

«ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین* الذین یؤمنون بالغیب».^۳ پیغمبر اکرم (ص) به این مضامین کسانی را که در زمان غیبت کبری مسلمانند و اهل تزکیه نفسند و پیرو حضرت علی بن ابیطالب هستند، برادران خود دانسته، و ابراز محبت به آنها کرده و ملاقات با آنها را آرزو می کند. اصحاب عرض می کنند مگر ما برادران شما نیستیم می فرماید: شما اصحاب منید برادران من کسانی هستند که در زمان غیبت آخرین وصیم می آیند و چیزی از معجزات و پیغمبر و امام (ع) را ندیده اند و در عین حال با نوشته‌هایی که در کتابها هست، ایمان به غیب و

۱. محمدجواد، نجفی، همان، ص ۲۸.

۲. محمد رضا، حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۸۰.

۳. سوره بقره، آیات ۲ و ۳. سید حسن، ابطحی، ص ۶۸.

چیزهای پنهانی می آورند.

بخش سیزدهم: شرافت نسب حضرت (ع)

شرافت نسب ؛ زیرا آن جناب داراست شرافت نسب همه آباء طاهرین خود را (ع) که نسب ایشان اشرف انساب است و اختصاص دارد به رسیدن نسبش از طرف مادر به قیصره روم و منتهی شود به جناب شمعون صفا، وصی حضرت عیسی (ع) پس داخل شود در آن سلسله بسیاری از انبیاء و اوصیاء (ع) که شمعون به آنها رسد.^۱

بند اول: تولد مهدی موعود در گذشته یا حال

پاسخ به بعضی از فرق، که نظرشان این است مهدی موعود هم اکنون متولد می شود در گذشته متولد نشده است ؟ اولاً: در باور ما مسلمانان بویژه شیعیان، زمین خالی از حجت نیست، چه آشکار و چه پنهان همواره باید آسیای وجود بر قطب و مدار امام و حجت بچرخد. اگر امام زمان (عج) در آن عصر به دنیا نیامده بود و بعد قدم به دنیا می گذاشت زمین بی حجت و امام می ماند و این با ادله قاطع و باور ما مسلمانان سازگار نیست. ثانیاً: شخصی که می خواهد دنیا را متحول سازد و تمدنی همه جانبه و بر اساس ارزشهای الهی و معنوی ایجاد کند باید دارای عدّه و غده فراوان باشد، با ابزار مدرن و پیشرفته آشنا باشد، و فراز و فرود تمدنها را بشناسد و بالاخره از علل سقوط و صعود ملتها تجربه بیندوزد، تا بتواند حرکتی اساسی و بنیادی را آغاز و رهبری کند و موانع را از سر راه بشر بردارد. این امر ممکن نیست مگر از کسی که طلوع و غروب تمدنها را دیده و با کوله باری از تجربه و شناخت به میدان آمده باشد.^۲

بند دوم: نزدیکترین راه به خدا

یکی از دوستان ابواسحاق اسفراینی به این جمله عمل کرده بود و موفق شده بود که به دیدار حضرت نائل شود این جمله این است اگر کسی روزهای جمعه بر خواندن این سه سوره (کوثر - توحید - آل عمران) مداومت کند از دنیا نمی رود مگر اینکه قائم آل محمد را زیارت کند. وقتی که به دیدار حضرت نائل شده بود از حضرت حجت پرسیده بود که نزدیک ترین راه

۱. طبرسی نوری، همان، ص ۱۴۱.

۲. سایت www.balgh.net.htm بر گرفته از اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۸۰.

رسیدن به خدا کدام است؟ حضرت در جواب فرمود: اگر کیمیاگری به دروغ به تو بگوید من می توانم کیمیا بسازم، در عین این که دروغ می گوید به قول او اعتماد می کنی و مال خودت را خرج می کنی و زحمت بسیار می کنی تا کیمیا را به تو تعلیم دهد حال آنکه آن چه را من می گویم قول پیغمبر (ص) و ائمه راشدین (ع) است و حکمای ظاهری مثل شیخ الرئیس بو علی سینا در کتاب اشارت هم آن را تصدیق نموده اند، پس چه اشکالی دارد عمر خود را صرف کنی و چهل شبانه روز سوره مبارکه کوثر، توحید و آل عمران را بخوانی آن هم نه به قصد امتحان بلکه به قصد عبادت، تا آن چه را که دنبالش هستی به آن برسی؟^۱ سخن از مهدویت بسیار است در این مقاله هدف این است که بدانیم کدام ویژگی جوانان است که ممکن است اعتقاد به مهدویت را دچار مشکل کند.

بخش چهاردهم: ویژگی دوره جوانی و بحران در افکار و عقاید مذهبی جوان

نوجوان در دوره ای درباره سیستمهای اخلاقی و عقاید مذهبی که دوره کودکی پذیرفته است به پرسش می پردازد ولی خوشبختانه جوابهایی که برای این سوالات می یابد کاملاً معقول و ثابت است.^۲ کلاً یک فرد در دوران زندگی خودش معمولاً از نظر شک و یقین دچار بحران می شود البته به اختلاف؛ در افراد عمیق و متفکر، از سن شاید دوازده سالگی و سیزده سالگی شروع می شود، در بعضی ها در سنین بالاتر، هفده سالگی و هجده سالگی؛ مگر خیلی لخت باشد که اصلاً برایش پیدا نشود یا مثلاً در سی سالگی پیدا شود بحرانی است در افکار و عقاید مذهبی انسان. انسان در دوره کودکی عقاید و معتقدات را در بست بدون اینکه احتمال خلاف بدهد از پدر و مادر گرفته، یکمرتبه بزرگ می شود، می فهمد که ممکن است آنچه که از پدر و مادر گرفته ام راست نباشد، دچار یک بحران می شود. اینجاست که جوان یک وضع حساسی پیدا می کند و باید به او رسیدگی کرد و اینجاست که با خشونت رفتار کردن از نظر عقاید مذهبی در این دوره از عمر جوان بسیار خطرناک است. بسیاری از جوانها در این دوره بحران - که یک دوره طبیعی و عادی است - مطالبی را به پدر و مادر و دوستان خود اظهار

۱. جواد، رضوی، پرسش های علما و مردم و پاسخهای امام زمان (عج)، ص ۲۹ و ۳۰.

۲. گلن بلر و استوارت جونز، روانشنا سی نوجوانی ص ۹.

می‌کنند؛ آنها این را دلیل بر خباثت این جوان می‌گیرند و با خشونت رفتار می‌کنند که خفه شو، این حرفها چیست که می‌زنی اینها سر به کفر می‌زنند! در صورتی که اوفقط سوال می‌کند. روحش را بدتر عاصی می‌کنند. جوان در یک سنی حالت درون‌گرایی پیدامی‌کند یعنی به درون خویش متوجه می‌شود وافکار خاصی در او بوجود می‌آید، باید خیلی با دقت رسیدگی کرد دراجتماعی هم که به چنین مرحله ای می‌رسد وظیفه رهبران دینی فوق العاده مشکل است.^۱

بخش پانزدهم: چاره اندیشی انحرافات فکری نسل جوان (با احترام گذاشتن به شخصیت و شناختن درد آنان)

نسل جوان امروز ما مزایایی دارد و معایبی. زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساساتی دارد که در گذشته نبوده و از این جهت باید به او حق داد در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی دارد و باید آنها را چاره کرد، چاره کردن این انحرافات بدون در نظر گرفتن مزایا یعنی ادراکات و احساسات و آرمانهای عالی که دارد و بدون احترام گذاشتن به این ادراکات و احساسات میسر نیست. باید به این جهات احترام گذاشت. اگر ما بخواهیم به این امور بی‌اعتنا باشیم محال است که بتوانیم جلو انحرافهای فکری و اخلاقی نسل آینده را بگیریم. فکر اساسی برای چاره سازی این نسل این است که اول ما درد این نسل را بشناسیم، درد عقلی، فکری و دردی که نشانه بیداری است، یعنی آن چیزی را که احساس می‌کند و نسل گذشته احساس نمی‌کرد. مولوی می‌گوید:

حسرت و زاری که در بیماری است وقت بیماری هم از بیداری است

هر که او بیدارتر پر دردتر هر که هشیارتر رخ زردتر

در مطالب قبل با ویژگی جوانان که مرتبط با مشکل اعتقادی آنان است آشنا شدیم. آیا طبق آمار جوانان در مساله مهدویت آسیب پذیر بوده اند یا خیر؟

بخش شانزدهم: مطالعه میدانی (میزان ارتباط جوانان دانشجو با امام زمان (عج) بند اول: روش جمع آوری اطلاعات

در ابتدا از طریق مصاحبه تلفنی با تعدادی از دانشجویان از سوالات آنان پیرامون امام زمان (عج) جو یا شدم. و پس از مشورت با سرکار خانم فاطمه معصومی و جناب آقای محمد سلطان محمدی، پرسشنامه ای اعتقادی تهیه گردید. و این پرسشنامه ها در نیمه دوم سال ۸۴ در سه دانشگاه داراب (آزاد، کشاورزی، پیام نور و دانشگاه حصارک کرج) توزیع گردید. در این تحقیق میدانی: جامعه آماری (دانشجویان دانشگاههای داراب) و نمونه اعضای آن (آن تعداد از دانشجویانی که به پرسشنامه ها پاسخ داده اند. و روش آماری استفاده شده توصیفی می باشد. جهت کسب اطلاع بیشتر به پایان نامه مهدویت و جوانان امروزی (پاسخ به پرسشهای نسل جوان دانشجو) رجوع شود. در اینجا به تحلیل و بررسی سوالات (۱۵-۱۴-۵-۳-۱) از پرسشنامه پرداخته خواهد شد.

تحلیل، بررسی و درصد گیری سوالات (۱۵-۱۴-۵-۳-۱) پرسشنامه همراه با جدول و نمودار ۱- آیا شما وجود خارجی امام زمان (عج) را باور دارید؟ در پاسخ به سوال یک ۳/۳٪ گزینه الف، خیر (نیاز به اثبات دارم) و ۸۷/۲٪ گزینه ب، بلی و ۵٪ گزینه ج، تا حالا فکر نکرده ام را انتخاب کرده اند و ۴/۴٪ خودشان نظر داده اند یا بی جواب گذاشته اند.

۳- به نظر شما انکار وجود امام زمان (عج) به چه علت می باشد؟ در پاسخ به سوال سه، ۷۶/۱٪ گزینه

گزینه نداشتن شناخت و ۴/۴٪ گزینه خانواده و محیط و ۱۰٪ گزینه از جهت عقلی و ۱/۶٪ هم گزینه (مشکلات زندگی و شغلی) را انتخاب کرده اند و ۷/۷٪ هم خودشان نظر داده اند و یا بی جواب گذاشته اند.

۵- از صد در صد چند درصد به امام زمان (عج) عشق و علاقه و ارادت خاص دارید؟ در پاسخ به سوال پنج، ۲/۱٪ درصد بین (۲۵ و ۰) و ۰/۵٪ بین (۵۰ و ۲۵) و ۷/۲٪ بین (۷۵ و ۵۰) و ۷۳/۳٪ بین (۱۰۰ و ۷۵) و ۱۶/۶٪ بی جواب گذاشته اند یا نظر داده اند. که نمی توان بصورت درصد بیان کرد- این سوال قابل جواب دادن نیست - صد در صد اگر وجود داشته باشد - عشق

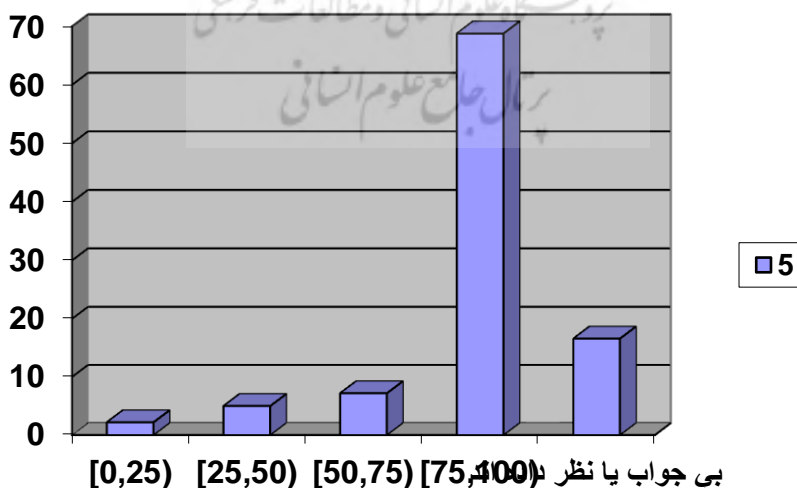
درصدی نیست- درصدهش را باید از امام زمان (عج) باید پرسید و...

۱۴- آیا شما برای اینکه معرفت و شناخت به حضرت پیدا کنید و او را باور کنید باید حتما او را ببینید؟ در پاسخ به سوال چهارده، ۱۵/۵٪ گزینه بلی و ۷۶/۶٪ گزینه خیر را انتخاب نموده اند و ۷/۷٪ خودشان نظر داده اند.

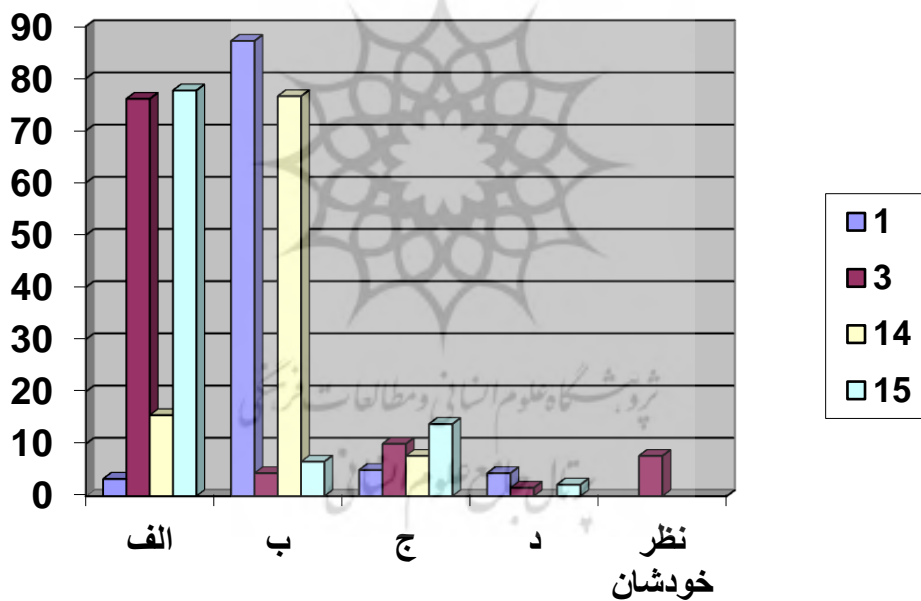
۱۵- آیا در ذهن شما سوالاتی در مورد امام زمان (عج) وجود دارد؟ در پاسخ به سوال پانزده ۷۷/۷٪ گزینه بلی و ۶/۱٪ گزینه خیر و ۱۳/۸٪ گزینه تا حالا فکر نکرده ام را انتخاب کرده اند و ۲/۲٪ هم خودشان نظر داده اند.

جدول و نمودار درصد فراوانی سوال (۵)

درصد فراوانی	فراوانی	سوال ۵
۲/۲	۴	(۰ و ۲۵)
.۵	۹	(۲۵ و ۵۰)
۷/۲	۱۳	(۵۰ و ۷۵)
۷۳/۳	۱۲۴	(۷۵ و ۱۰۰)
۱۶/۶	۳۰	بی جواب یا نظر داده اند
۱۰۰	۱۸۰	جمع



سوال	۱		۲		۱۴		۱۵	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
الف	۶	۳/۳	۱۳۷	۷۶/۱	۲۸	۱۵/۵	۱۴۰	۷۷/۷
ب	۱۵۷	۸۷/۲	۸	۴/۴	۱۳۸	۷۶/۶	۱۱	۶/۱
ج	۹	۵	۱۸	۱۰	۱۴	۷/۷	۲۵	۱۳/۸
د	۸	۴/۴	۳	۱/۶			۴	۲/۲
نظر خودشان			۱۴	۷/۷				
جمع	۱۸۰	۱۰۰	۱۸۰	۱۰۰	۱۸۰	۱۰۰	۱۸۰	۱۰۰



نتیجه کلی از پاسخ‌های پرسشنامه

با توجه به مصاحبه که با دانشجویان انجام نمودیم می‌توان به این نتیجه رسید که انکارکننده وجود صاحب الزمان (عج) در بین جوانان دانشجو وجود ندارد. زیرا که نزدیک به ۹۰٪ از دانشجویان نیازی به اثبات حضرت ندارند و درصد اندک باقیمانده دلایل انکار خود را ذکر نموده اند از جمله اینکه بخاطر مشکلات زندگی و شغلی، بحران فکری و دور از ذهن بودن و... عنوان نموده اند که اگر این مشکلات برطرف شود با خود شخص مبارک حضرت حجت مشکلی نداریم. و در سوال سه ۷۶/۱٪ از جوانان انکار وجود صاحب الزمان (عج) را در نداشتن شناخت می‌دانند. و علاقه و محبت خود را به حضرت ۷۳/۳٪ بین [۷۵ و ۱۰۰] و بالاتر می‌دانند و ارادت خاصی نسبت به امام زمان خویش دارند. جوانان نشان داده اند که واقعا برادران پیامبر (ص) هستند چرا که در حدیث می‌خوانیم که «آنهايي که از روی نوشته ها شناخت به حضرت مهدی (عج) پیدا می‌کنند برادران پیامبر (ص) خطاب شده اند. و همچنین اینکه هنگامی که دختر رشید هجری شیعه معروف به پدر می‌گوید که چه بسیار عبادت خدا می‌کنی پدر در جواب می‌گوید بعد از ما مردمی می‌آیند و بصیرت و شناختی که در دین دارند از این کوششها ورنجها افضل است^۱. (باتوجه به درصد سوال چهارده (۷۶/۶٪) جوانان ما شامل این مطلب شده اند. و با پاسخ به سوال پانزده مشخص می‌شود که جوانان دغدغه شناخت حضرت مهدی (عج) دارند چرا که ۷۷/۷٪ (نزدیک به ۸۰٪) از جوانان پیرامون امام زمان (عج) در ذهنشان سوال وجود دارد و نسبت به ایشان کنجکاو شده اند.

نتیجه گیری

انسان موجودی جستجو گر است و دائماً به دنبال پرسش می‌باشد و در قرآن هم این مساله (سوال کردن) به وسیله واژه‌های سأل، یسألون، فأسئلوه، و... به ما توصیه شده است. و حتی خود خداوند در قرآن به سوالات پاسخ گفته است. اگر سوال در زمینه اعتقادات باشد می‌توان پرسید و طبق ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر هر کس حق آزادی عقیده و بیان را دارد اما عقیده ای

۱. محمد رضا، حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۸۰.

که ناشی از یک تفکر صحیح صورت گیرد اگر سوال یک جوان از روی تفکر صحیح صورت گیرد و پرسش او از اثبات وجود خارجی امام عصر(عج) واقعاً در پی دانستن و دانش باشد. و دو شرطی که امام علی(ع) ذکر نموده است را دارا باشد، که در هنگام پرسش از خداوند طلب یاری کن و سوال، در جهت فهمیدن تو باشد در این صورت پرسش جوان از اعتقادات خود جای هیچگونه نگرانی ندارد. با توجه به به احادیثی که بیش از چهارصد حدیث از برادران اهل سنت و شش هزار روایت رسیده درباره امام مهدی(عج) از اخبار وارده از طریق شیعه و سنی، وجود دارد نمی توان هیچ گونه شک و تردیدی در مورد وجود خارجی امام عصر(عج) به خود راه داد. صحیح است که جوانان دارای ویژگی بحران در افکار و عقاید دینی می باشند و باید پرسش و سوال و جستجو نمایند. اما سوالاتی که حد وسط و مهم باشد و سوال در جهت فهمیدن او باشد و همچنین در مسیر جستجو از خداوند متعال طلب کمک و یاری نماید. به فرموده امام علی(ع) شروط جستجو را دارا باشند و گرنه باید اجتناب از مسیر جستجو گری نمود. زیرا فردی که آمادگی روحی و فکری ندارد و حق و باطل را در هم می آمیزد مانند کسی می باشد که چشم بسته در تاریکی قدم بگذارد. پس چنین فردی بهتر است که به آموزه‌های صحیح گذشتگان موفق خویش بسنده کند.

و پیرامون مساله شناخت حضرت باید گفت همانگونه که قرآن به فرموده حضرت علی(ع) دریایی است که به عمق آن دسترسی نیست، درباره اهل بیت نیز می خوانیم که ما به کنه شما نمی رسیم (لا ابلغ من المدح کنهکم) و هر کس از اهل بیت مطلبی می نویسد یا می فهمد در واقع به اندازه ظرف وجودی خود از دریا (اهل بیت) استفاده نموده است. و گرنه شناخت حضرت کار هر کسی نیست.

پیشنهادهات

در شناساندن امام(عج) در بین جوانان دانشجو از نظر خودشان چند عامل نقش دارد به ترتیب درصدها عبارتند از: ۱- خانواده ۲- معلمین دوران مدرسه (دروس بینش، پرورشی و قرآن) ۳- کتاب ۴- رسانه ۵- استاد معارف دانشگاه ۶- هیچکدام از عوامل تاثیر گذار نیست و تا خودمان نخواهیم شناختی حاصل نخواهد شد. با بررسی پرسشنامه ها مشخص گردید که نزدیک به

۵۰٪ از دانشجویان مهم‌ترین عامل شناخت امام زمان (عج) را در خانواده می‌دانند و ۵۰٪ باقیمانده در موارد دیگر که ذکر شد، می‌دانند. باید راهکارهایی برای تربیت کودک مهدوی دوست صورت گیرد. در خانواده دو عنصر پدر و مادر نقش ایفا می‌کنند که باید با انتخاب صحیح و با هدف، کانون خانواده تشکیل گردد تا نظام ارزشی از طریق خانواده به کودک منتقل گردد و صلاحیت اخلاقی پدر و مادر، در این مسیر بسیار مهم است در حدیثی از امام باقر (ع) نقل شده است که: «فرزندان بشر با صلاحیت اخلاقی پدران خود از خطر انحراف مصون می‌مانند.»

زمان طفولیت جنبه گیرندگی دارد و فرزند همه چیز را بدون کم و کاست از خانواده می‌گیرد و باید برنامه‌هایی برای تربیت کودک مهدوی دوست در مراحل اولیه شکل گیرد. از جمله اینکه از نامگذاری فرزند شروع شود - کودک با روز جمعه انس داشته باشد - استفاده از تکه کلامهای یا مهدی، یا صاحب الزمان و ایجاد نرم افزارهایی برای علاقه مند کردن کودکان به حضرت مهدی (عج) و... خانواده ها باید از سطح بینش و آگاهی بسیاری برخوردار باشد. مخصوصاً مادران که از طریق آشنایی با اینترنت می‌توانند از مشکلات بروز جوانان خود آگاهی یابند. و اینکه خانواده ها باید آشنایی با ویژگیها و ادبیات و مراحل مختلف سنی فرزندان خود داشته باشند در جایی امام علی (ع) می‌فرماید: «کارها در گروگان زمانهای آن است.» در پیرامون عامل دوم (مدرسه) باید گفت که معلمان دروس، بایستی متخصص، با نشاط، با ذهنیت خوب، فعال، با افکار جوان پسند، جذاب و امید وار باشند. و کلاسهای دروس اعتقادی باید بصورت بحث‌های دو نفری پرسش و پاسخ و کلامی صورت گیرد تا جوانان بتوانند بصورت کلامی از عقاید خویش دفاع کنند نه اینکه فقط در ذهنشان مطالبی را ذخیره کرده باشند و در هنگام نیاز نتوانند از آن استفاده نمایند و به آیات و روایات استناد نمایند. کتاب هم به عنوان عامل سوم در نظر جوانان در شناختشان نقش ایفا می‌کند. همانگونه که طبق آیه ۱۶۲ سوره بقره کتاب قرآن کریم موضوع تفکر را مطلق نگذاشته و به آنان نظم و جهت بخشیده است. پس آشنایی با تفاسیر قرآن، کاربردی کردن این کتاب و سر لوحه قرار دادن آن می‌توان به شناخت امام زمان (عج) رسید. چراکه یکی از راههای شناخت امام زمان (عج) از طریق قرآن کریم می‌باشد و جوانان می‌توانند به آیات و روایات استناد نمایند.

رسانه هم در شناخت نقش ایفا می کند اگر فیلمی راجع به تولد و غیبت و... تهیه گردد تاثیر بسیاری خواهد گذاشت و برای اینکه مساله مهدویت دغدغه شود باید برای آن هزینه کرد. در کشورهای دیگر فیلم های بسیاری تهیه گردیده است که وقایع آخرالزمان را بطور مستقیم و غیر مستقیم به تصویر می کشد اما در ایران هنوز برنامه تلویزیونی و فیلم سینمایی پیرامون آن حضرت وجود ندارد. و تعدادی از جوانان هم هیچکدام از عامل های بالا را در شناخت موثر نمی دانند و نظرشان این است که تا خودمان نخواهیم شناختی در ما ایجاد نخواهد شد. در پایان اینکه مهمترین کار و اولین و آخرین قدم در ایجاد شناخت فرهنگ مهدویت و آماده شدن برای ظهور حضرت مهدی (عج) خودسازی (دوری از گناهان) می باشد. چرا که از زمان فوت امام حسن عسکری (ع) بایستی امام مهدی (عج) ظهور می نموده است و هنوز ایشان تشریف فرما نشده اند و گناهان ما باعث غیبت طولانی ایشان شده است.

گفتم شبی به مهدی کز تو نگاه خواهم گفتا که من هم از تو ترک گناه خواهم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم و بعد....
- ۲- ارفع، سید کاظم، نهج البلاغه: تهران انتشارات تربت، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا: تهران موسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۴. ش.
- ۴- بندر ریگی، محمد، فرهنگ بندر ریگی، ج ۲: تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۵ - holy bible in persian، تورات وانجیل، بی جا، انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل، بی نا، ۱۹۹۵.
- ۶- طبرسی نوری، مرحوم حاج میرزا حسین، نجم الثاقب: قم، انتشارات مسجد جمکران، چاپ هشتم، ۱۳۸۳.
- ۷- نعمانی، شیخ جلیل محمد بن ابراهیم، غیبت: تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
- ۸- حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب: قم انتشارات دلیل ما، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۲.
- ۹- صفار، دکتر محمد جواد، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: ویراستار ژیلایا طباطبایی علوی، تهران انتشارات موسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه ریزی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۳.
- ۱۰- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان: انتشارات موسسه امام صادق (ع) چاپ دوازدهم، ۱۳۸۰..
- ۱۱- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان: قم، انتشارات شفق، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۲.
- ۱۲- استاد مطهری، مرتضی، سیری در ائمه اطهار: تهران، قم، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- ۱۳- (.....) پانزده گفتار، تهران، قم، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- ۱۴- (.....) ده گفتار، تهران، قم، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۲
- ۱۵- رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج): قم انتشارات نبوغ، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۲.
- ۱۶- دژاکام، علی، آئینه موعود (معرفی و بررسی پانصد کتاب پیرامون حضرت مهدی (عج)): کنترل فنی: کورش گوهریان، قم نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر

معارف، ۱۳۸۲.

- ۱۷- هادوی، مهدی، با جوان تا آسمان: قم ناشر موسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ دوم، ۱۳۸۰
- ۱۸- صدر، سید محمدباقر، امام مهدی حماسه ای از نور: ترجمه کتابخانه بزرگ اسلامی، بی جا، انتشارات موسسه امام هادی (عج)، ۱۳۹۸ ه.ق.
- ۱۹- رضوی، سید جواد، پرسشهای علما و مردم پاسخ‌های امام زمان (عج): قم، انتشارات لاهیجی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.
- ۲۰- نجفی، محمد جواد، ستارگان درخشان، ج ۱۴: بی جا، بی نا، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ: قم، ناشر مطبوعاتی هدف، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۲۲- بلر و جونز، گلن و استوارت، روانشناسی نوجوانی، مترجم رضا شاپوریان، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۲۳- دکتر دلاور، علی، روشهای آماری در روانشناسی و علوم تربیتی: بی جا، بی نا، چاپ اول و پانزدهم، ۱۳۸۰-۱۳۶۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی